

*4th International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences*



## تحقق سعادت در قرآن کریم، مصادیق و راهکارها

ناهید مشائی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

هدف اصلی نوع انسانی، وصول به خوشبختی پایدار و رستگاری بزرگ است. از این هدف در قرآن کریم به "فوز" و "فلاح" تعبیر شده است.

براساس این پژوهش که با روش کیفی و تحلیل آیات قرآن، انجام پذیرفته، سعادت بشریت، وابسته به ایمان به خدای متعال، عبادت و پرستش وی و عمل به فرامین اوست که همراه با تقوا و تزکیه نفس، و اطاعت از رسول خدا، تحقق می یابد. از آن رو که دنیا ناپایدار و محدود به زمان است، و قابلیت تحقق رستگاری دائمی و پایدار را ندارد؛ قرآن کریم، سرای آخرت را محل نیل به سعادت ابدی دانسته است. عدم کاربست این راهکار، عامل شرک، تکذیب خدا و بازداری از مسیر الهی است و در نتیجه، مستلزم ظلم به اندیشه و فکر انسان و سقوط در گرداب هلاکت است.

واژگان کلیدی: قرآن، خوشبختی، رستگاری، فوز، فلاح، تقوا

**4th International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



### مقدمه

کامل ترین هدف برای هر انسان، در حیات بشری، دستیابی به خوشبختی حقیقی و پایدار- نه مقطعی و زودگذر- است که از آن در زبان پارسی به "رستگاری" و "سعادت" تعبیر می شود. این مفهوم در قرآن کریم، در بیشتر موارد، با واژه های "فوز" و "فلاح" بیان شده و قرآن، هدف نهایی از خلقت و تکامل بشری را رسیدن به مقام رستگاری یا همان "فوز" و "فلاح" دانسته است. این پژوهش، با بررسی اجمالی این واژگان در قرآن، بر آن است تا مهم ترین ملاک های نیل بدین فرجام را براساس ملاک های قرآن، تبیین نماید و نقشه ی کلی رسیدن به رستگاری ابدی را به بشریت اعلام نماید.

### واژه شناسی

#### ۱- فوز

واژه ی "فوز" و مشتقات آن، حدود ۳۰ بار در قرآن کریم ذکر شده است. اصل معنای این واژه، به دست آوردن، حصول و برخوردار شدن از خیر، نعمت و سود همراه با رهایی از شرّ، ناپسندی و هلاکت می باشد. (زحیلی: ۱۵۳/۷) و نیز به: رسیدن به نجات با سود خالص (طبرسی: ۳۲۰/۱۰) و یا نجات از موارد ترسناک و دست یابی به آرزوها (ابو حیان: ۴۵۴/۳) تعبیر شده است. قرآن کریم، این واژه را یک بار با صفت "کبیر" ذَلِکَ الْفَوْزُ الْکَبِیْرُ (بروج/۱۱)، دوبار با صفت "مبین" وَذَلِکَ الْفَوْزُ الْمُبِیْنُ (انعام/۱۶) و ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِیْنُ (جاثیه/۳۰) و در بقیه موارد با صفت "عظیم" یاد نموده است.

#### ۱-۱- مصادیق فوز

آیات قرآن، مصادیق واقعی فوز را منحصر در کسب رضایت الهی (مائده/۱۱۹ و توبه/۷۲) و ورود به دریای رحمت الهی (جاثیه/۳۰) و در نهایت، وصول به جنت و بهشت الهی ( آل عمران/۱۸۵، نساء/۱۳، توبه/۸۹، حدید/۱۲، صف/۱۲، تغابن/۹، بروج/۱۱ و...) دانسته است. از آن جا که دنیا به دلیل ناپایداری و گذرا بودن نمی تواند مکان تحقق سعادت ابدی باشد، خداوند متعال، فقط در مواردی محدود (یونس/۶۴) دنیا را همراه با سرای آخرت آورده است و محلّ تحقق این سعادت و رستگاری ابدی را سرای آخرت دانسته و صراحتاً اعلام می دارد که: " لَا یَسْتَوِی اَصْحَابُ النَّارِ وَاَصْحَابُ الْجَنَّةِ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ" (حشر/۲۰) اصحاب دوزخ و اصحاب بهشت یکسان نیستند، فقط اصحاب بهشت رستگار و پیروزند.

خداوند در این آیه و آیات ماقبل آن به مقایسه این دو گروه (گروه مؤمنان با تقوی، و متوجه به مبدأ و معاد، و گروه فراموشکاران خدا که گرفتار خود فراموشی شده اند) پرداخته، می گوید: " اصحاب دوزخ و اصحاب بهشت یکسان نیستند" (لا یَسْتَوِی اَصْحَابُ النَّارِ وَاَصْحَابُ الْجَنَّةِ).

نه در این دنیا، نه در معارف، نه در نحوه تفکر، نه در طرز زندگی فردی و جمعی و هدف آن، و نه در آخرت و پاداش های الهی، خط این دو گروه در همه جا، و همه چیز، از هم جدا است، یکی به یاد خدا و قیامت و احیای ارزش های والای انسانی، و اندوختن ذخایر برای زندگی جاویدان است، و دیگری غرق شهوات و لذات مادی و گرفتار فراموشی همه چیز و اسیر بند هوا و هوس.

و به این ترتیب انسان بر سر دو راهی قرار دارد یا باید به گروه اول بپیوندد یا به گروه دوم و راه سومی در پیش نیست. و در پایان آیه به صورت یک حکم قاطع می فرماید: " فقط اصحاب بهشت رستگار و پیروزند" (اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ).

نه تنها در قیامت رستگار و پیروزند که در این دنیا نیز پیروزی و آرامش و نجات از آن ها است، و شکست در هر دو جهان نصیب فراموشکاران است. (مکارم شیرازی، ۵۴۲/۲۳)

**4<sup>th</sup> International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



بدیهی است گروهی که تحت تدبیر پروردگار قرار گرفته و سیرت ایمان و اطاعت آنان در این جهان نعمت های جاودان است رستگار خواهند بود و آنان که در دنیا به خودستایی از هر نعمت و فضیلت بی بهره اند جز تیره بختی و شقاوت نصیب نخواهند داشت.

خلاصه معرفت صفات پروردگار یگانه، کمال انسانی است و لازمه آن، این است که شخصیت خود را شناخته و ارزش خود را یافته و عبودیت را شعار خود قرار دهد و در افعال اختیاری خود نیز رعایت ارزش خود را نموده و پیوسته از دستور پروردگار پیروی بنماید و هرگز در مقام مخالفت برنیاید. (حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ذیل آیه)

و یا در آیه ای مشابه می فرماید: "وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ۖ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ" (توبه/۷۲) خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ هایی (از بهشت) که از پای (درختان) آن، نهرها جاری و در آن جاودانند و (نیز) مساکن هایی دلپسند در بهشت برین را وعده داده است. ولی رضایت و خرسندی خداوند، برتر و والاتر (از این ها) است. این همان رستگاری بزرگ است. سوره التوبه (۹): آیه ۷۲ این آیه چگونگی تحقق رحمتی را که در آیه ی قبل بود، «سَيَرَحْمُهُمْ» بیان می کند.

«جَنَّاتِ عَدْنٍ»، طبق روایات، بهترین و شریف ترین منطقه ی بهشت و جایگاه پیامبران و صدیقان و شهداست، منطقه ای که از نظر خوبی، به خیال کسی خطور نکرده است. (القلمی المشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ذیل آیه) پیام های آیه:

- ۱- زن و مرد، در برخورداری از پاداش الهی، برابرند «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»
- ۲- بزرگ ترین امتیاز بهشت، خلود در آن و جاودانگی نعمت های آن است. «خَالِدِينَ فِيهَا»
- ۳- زندگی آخرت تنها معنوی نیست، بلکه مادی و جسمانی است. «جَنَّاتٍ»، «مَسَاكِينَ طَيِّبَةً»
- ۴- مساکن خوب، وقتی ارزشمند است که در منطقه ی خوب باشد. «مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ»
- ۵- از تمایلات طبیعی انسان به آب، سرسبزی، باغ، بوستان و منزل، در جهت گرایش به معنویت استفاده کنیم. «وَعَدَ اللَّهُ...» «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...»

- ۶- لذت های معنوی، بالاتر از لذت های مادی بهشت است. «رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ».
- ۷- بهشت نیز درجات و مراتبی دارد. «جَنَّاتٍ تَجْرِي»، «جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ»
- ۸- رسیدن به پاداش اخروی و رضایت الهی، رستگاری بزرگ است «الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». (قرآنی، تفسیر نور، ذیل آیه)

"وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ!": خلف و عد از قبایح عقلیه است و محال است از خدا صادر شود و نص قرآن است که: "إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ" (آل عمران / ۷) و مؤمن و مؤمنه کسی را گویند که با عقائد حقّه از دنیا رود و کاری نکند که باعث سلب ایمان شود از انکار ضروری یا اهانت به مقدسات دینی یا ارتکاب عملی که باعث سلب ایمان شود که در اخبار تصریح شده مثل ترک صلوّه از روی بی اعتنائی که گفتند کافر است یا تزییع صلوّه که بدون ایمان از دنیا می رود یا ترک زکاة و حج و امر به معروف و نهی از منکر و اعراض از علما و غیر اینها مگر اینکه موفق به توبه شود. جنات یک بهشت و دو بهشت نیست جنات عدیده است تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ معنی این نیست که از زیر قصرها نهر جاری شود مراد پای قصرها است به دلیل قول فرعون که گفت قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي (زخرف / ۵۰)، مسلماً از زیر پای او جاری نبوده و انهار بهشت چهار نهر است به دلیل قوله تعالی: "فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى" (محمد ص/ ۷۱) خَالِدِينَ فِيهَا ابد الاباد انتهی ندارد و مَسَاكِينَ طَيِّبَةً منزل ها و قصرهای عالیّه فی جَنَّاتِ عَدْنٍ که یکی از هشت بهشت جنّه عدن است، وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ که راضیه مرضیه باشد اکبر مقامی بالاتر از این نیست حتی دارد که اهل بهشت بعد از آنی که در بهشت متنعم می شوند خطاب می رسد آیا توقع دیگری دارید عرض می کنند (رتنا رضاک) ذَلِكْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (طیب عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه)

**4th International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



بنابر آیات قرآن کریم، راهکارهای رسیدن به مقام "فوز" در محدوده‌ی "اطاعت خدا"، "اطاعت از رسول خدا"، "خشیت و خوف از گناه"، "تقوای الهی" و "عمل به شرایع و احکام" تبیین گردیده است. به عنوان نمونه:

"وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ" کسانی که از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند و از خدا می‌ترسند و پرهیزگاری می‌کنند، رستگارانند (نور/۵۲)

امر به اطاعت ارشادیهست به حکم عقل و اطاعت اولی الامر عین اطاعت رسول است.

و اطاعت او عین اطاعت خدا است. لذا می‌فرماید:

(شرط اول: (وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ) (شرط دوم (وَ يَخْشَى اللَّهَ) خشیه، خوف است و دو قسم خوف داریم: (أ) خوف ممدوح و (ب) خوف مذموم. اما ممدوح سه خوف است، ۱- خوف خطر خاتمه: (ترس از آن که) بدون ایمان از دنیا رود، ۲- خوف از عذاب قیامت در اثر معاصی، ۳- خوف از عظمت پروردگار، و کبریایی او که انبیاء و ائمه داشتند بسا ضعف می‌کردند و مثل چوب خشک روی زمین می‌افتادند. (ب) خوف مذموم، خوف از ذهاب مال و جاه و از غیر خدا. (شرط سوم (وَ يَتَّقُهُ) تقوی پرهیز از معاصی الهیه و مخالفت با انبیا و اولیا است.

(فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) استفاده می‌شود که فوز به قرینه جمله اسمیه و ضمیر هم، منحصر به این طائفه است. (طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، ذیل آیه) «فخر رازی» در تفسیرش می‌گوید: فوز و رستگاری در سه چیز است:

۱- اطاعت خدا و رسول، در شادی‌ها و غم‌ها.

۲- ترس از خدا در مورد کردار گذشته.

۳- رعایت تقوا، در باقیمانده‌ی عمر. (تفسیر کبیر، ذیل آیه)

پیام‌های آیه:

۱- سعادت، کاری به نژاد و سن و جنس و قبیله ندارد، هر کس تسلیم خدا باشد، رستگار می‌شود. «مَنْ يُطِيعِ ... هُمْ

الْفَائِزُونَ»

۲- پیامبر (صلوات الله علیه) معصوم است، زیرا به اطاعت بی قید و شرط از او سفارش شده است. «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»

۳- آنچه ارزش است، خشیت درونی و پروای بیرونی است. «يَخْشَى اللَّهَ وَ يَتَّقُهُ»

۴- اطاعت باید هم از خدا باشد و هم از رسول، و در کنار آن نه غرور، بلکه روحیه‌ی خشیت و تقوا باشد. «يُطِيعِ اللَّهَ وَ

رَسُولَهُ وَ يَخْشَى اللَّهَ»

۵- خدا ترسان تقوا پیشه که مطیع خدا و رسولند، حتماً رستگار می‌شوند. «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (قرائتی، تفسیر نور، ذیل

آیه)

و نیز آیه: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ

فَوْزًا عَظِيمًا" ای مؤمنان! از خداوند [اطاعت کرده، و از محرّماتش] بپرهیزید، و سخن استوار و درست بگویید. تا [خداوند] اعمالتان را برایتان [از برکت اطاعت از خدا و پرهیز از محرّمات] اصلاح کند، و گناهانتان را ببامرزد، و هر که از خدا و رسولش

اطاعت کند یقیناً به رستگاری بزرگی دست یافته است. (احزاب/۷۱)

«قول سدید» سخنی است که در آن سستی و لغو و دروغ و نفاق نباشد. سخنی که همچون سدی محکم، جلو شک و شبهه و

فساد را بگیرد.

پیام‌های آیه:

۱- لازمه‌ی ایمان، داشتن تقواست، «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» و لازمه‌ی تقوا سخن استوار است. «اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا

سَدِيدًا»

۲- انسان مؤمن شایستگی تقوا و قول سدید را دارد. «الَّذِينَ آمَنُوا ... اتَّقُوا ... قُولُوا»

۳- نشانه‌ی ایمان، هم ظاهری است، «قَوْلًا سَدِيدًا» و هم باطنی. «اتَّقُوا اللَّهَ»

**4<sup>th</sup> International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



۴- سخن سدید تنها به الفاظ آن نیست، بلکه به محتوای آن است، در واقع این فکر و اندیشه است که باید محکم و استوار باشد. «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»

۵- هر شنیده‌ای قابل بازگو کردن نیست. «قَوْلًا سَدِيدًا»

۶- اگر انسان در رفتار و کردار تقوا را مراعات کند، باقی مسائل را خداوند حل می‌کند. «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ» (نظیر آیه ۳۱ سوره نساء که می‌فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ»، اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید دوری کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم. ۷)

۷- کلید رستگاری، پیروی از خدا و رسول است. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا». (قرائتی، تفسیر نور، ذیل آیه)

و یا آیه: "تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ". آن (چه گفته شد)، حدود و مقررات الهی است و هرکس از خدا و رسولش پیروی کند خداوند او را به باغ‌هایی وارد می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاری است، آنان همیشه در آن می‌مانند، و این است کامیابی و رستگاری بزرگ.

این آیه که در باره ی احکام ارث است، به نقش عمل به شریعت و احکام در نیل به فوز، تصریح می‌نماید. پیام‌های آیه:

۱ احکام ارث، از حدود الهی است، پس نباید از مرز آن گذشت. «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ»

۲- اطاعت از رسول خدا به منزله‌ی اطاعت از خداست. «يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»

۳- سعادت و رستگاری، در گرو حرکت در مسیر الهی است، نه کام‌گیری بیشتر از ارث. «ذَلِكَ الْفَوْزُ» (همان، ذیل آیه)

## ۲- فلاح

این واژه و مشتقات آن، حدود ۴۰ بار در قرآن مجید به کار رفته است.

اصل معنای این واژه، شق و قطع است. (ابو حیّان، ۷۲/۱) و مقصود آن است که موانع و خطرات رسیدن به اهداف کمالی، از سر راه این گروه از میان برداشته می‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که آیه ابتدایی سوره مؤمنون، از جمله قاطع‌ترین و روشن‌ترین آیاتی است که پیرامون فلاح و رستگاری مؤمنان، سخن می‌گوید:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ . قطعاً مؤمنان رستگار شدند. (مؤمنون/۱)

می‌فرماید: "مؤمنان رستگار شدند"، و به هدف نهایی خود در تمام ابعاد رسیدند (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ).

"افلاح" از ماده "فلاح و فلاح" در اصل به معنی شکافتن و بریدن است، سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است.

در قرآن، یازده مورد کلمه‌ی فلاح (رستگاری) با کلمه‌ی «لعل» (شاید) همراه است: «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» لکن در سه مورد بدون این کلمه و به طور حتمی مطرح شده است، یکی در همین سوره و یکی در سوره‌ی شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و دیگری در سوره‌ی اعلی: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى». از مقایسه این سه مورد با یکدیگر، روشن می‌شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی هستند.

برترین و آخرین هدف تمام برنامه‌های اسلام، فلاح و رستگاری است. در بسیاری از آیات قرآن از تقوا سخن گفته شده و هدف از احکام دین هم رسیدن به تقواست: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» «بقره، ۱۸۳» و آخرین هدف تقوا نیز فلاح است: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «آل عمران، ۱۳۰» جالب است که مهم‌ترین و آخرین هدف دین اسلام در اولین شعار آن آمده است: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» به یگانگی خداوند ایمان آورید و «لا اله الا الله» بگوئید تا رستگار شوید.

هر شبانه روز، در اذان و اقامه‌ی نمازهای یومیّه جمله‌ی «حی علی الفلاح» را بیست بار بر زبان می‌آوریم و هدف نهایی را با فریاد رسا اعلام می‌کنیم، تا راه را گم نکنیم.

**4<sup>th</sup> International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



اسلام می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» «اعلیٰ / ۱۴» کسانی رستگارند که ایمان و تزکیه‌ی نفس داشته باشند، ولی کافر می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى» «طه / ۶۴» فرعون می‌گفت: امروز هر کس زور و برتری دارد رستگار است. کلمه‌ی «فلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به کشاورزی، «فلاح» می‌گویند آن باشد که وسیله‌ی رستن دانه را فراهم می‌کند. دانه که در خاک قرار می‌گیرد با سه عمل خود را نجات می‌دهد و به فضای باز می‌رسد: اول آنکه ریشه‌ی خود را به عمق زمین بند می‌کند. دوم اینکه مواد غذایی زمین را جذب می‌کند. سوم آنکه خاک‌های مزاحم را دفع می‌کند.

آری، انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی‌های مادیات و هوس‌ها و طاغوت‌ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد: اول ریشه‌ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند. دوم از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند. سوم تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه «لا اله» دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد. (قرائتی، تفسیر نور، ذیل آیه).

می‌فرماید: "مؤمنان رستگار شدند"، و به هدف نهایی خود در تمام ابعاد رسیدند (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ).

"افلاح" از ماده "فلاح و فلاح" در اصل به معنی شکافتن و بریدن است، سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است. در حقیقت افراد پیروزمند و رستگار و خوشبخت موانع را از سر راه بر می‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافتند و پیش می‌روند. البته فلاح و رستگاری معنی وسیعی دارد که هم پیروزی‌های مادی را شامل می‌شود، و هم معنوی را، و در مورد مؤمنان هر دو بعد منظور است. پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند، و این امور جز در سایه ایمان امکان‌پذیر نیست، و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک، و در کمال عزت و سربلندی به سر برد.

"راغب" در "مفردات" ضمن تشریح این معنی می‌گوید: "فلاح دنیوی در سه چیز خلاصه می‌شود: بقاء و غنا و عزت، و فلاح اخروی در چهار چیز: بقاء بلا فناء، و غنی بلا فقر، و عز بلا ذل، و علم بلا جهل." بقای بدون فنا، بی‌نیازی بدون فقر، عزت بدون ذلت، و علم خالی از جهل". (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ذیل آیه)

الْمُؤْمِنُونَ: به صورت صفت ذکر شده به این که ایمان اعتقادی و صورت علمی و هم چنین ایمان عملی و نیروی اطاعت و انقیاد در روان رسوخ داشته باشد بر این اساس صفت ایمان بر دو رکن استوار خواهد بود یکی ایمان و صورت علمی و عبارت از اعتقاد به اصول توحید و به صفات واجب تعالی و نیز توحید افعالی پروردگار و اعتقاد بسایر ارکان آن. از جمله معاد و عبارت از اعتقاد به این که بشر دارای زندگی ابدی و جاودانی خواهد بود و پس از سیر و سلوک از این جهان محدود و موقت به آستانه برزخ و عالم قیامت خواهد در آمد و به حکم خرد باید از این رهگذر و نظام آزمایش خود را آماده سعادت و فلاح و رستگاری بنماید و به مقامی از حیات حقیقی نایل شود با توجه به این که مجرد ایمان به اصول توحید. و از جمله اعتقاد به معاد جزء و رکن ایمان و پایه آن است و تمام ایمان نیست بلکه صورت علمی ناقصی است و آنچه رکن مهم و سبب نیل به حقیقت ایمان و ظهور اعتقاد قلبی می‌شود همانا التزام عملی و جوارحی و قیام بآداب و وظایف و پیروی از برنامه مکتب عالی قرآن است که دانشجویان و پیروان برنامه‌ی آن، در نتیجه حرکت و ادای وظایف ایمان اعتقادی خود را به ظهور و کمال برسانند.

بدین جهت ایمان قلبی باید توأم با عمل جوارحی و تمثل به صورت عمل باشد و در خارج تحقق بیابد و چنانچه قیام به ادای وظایف ننماید لامحاله ایمان مورد تکذیب عملی قرار خواهد گرفت و ایمان اعتقادی نیز خلل خواهد پذیرفت پس قوام حقیقت ایمان به طور اطلاق بر دو رکن استوار است یکی اعتقاد به اصول توحید و دیگر پیروی از برنامه مکتب قرآن. این دو سبب فلاح و رستگاری بشر خواهد بود فلاح اکتسابی بصورت صفاء روح و نورانیت قلب در می‌آید. (حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ذیل آیه)

نمونه دیگر: و"قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا". که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده. (شمس/۹)

زکیه‌ها از ماده "تزکیه" در اصل - چنان که راغب در مفردات آورده- به معنی نمو و رشد دادن است، و زکات نیز در اصل به معنی نمو و رشد است، و لذا در روایتی از امام علی ع می‌خوانیم:

**4<sup>th</sup> International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



مال با انفاق نقصان می‌یابد ولی علم با انفاق نمو می‌کند « نهج البلاغه، کلمه ۱۴۷ ».

سپس این واژه به معنی تطهیر و پاک کردن نیز آمده، شاید به این مناسبت که پاکسازی از آلودگی‌ها سبب رشد و نمو است، و در آیه مورد بحث هر دو معنی امکان دارد.

آری رستگاری از آن کسی است که نفس خویش را تربیت کند و رشد و نمو دهد، و از آلودگی به خلق و خوی شیطانی و گناه و عصیان و کفر پاک سازد و در حقیقت مساله اصلی زندگی انسان نیز همین "تزکیه" است، که اگر باشد سعادت‌مند است و الا بدبخت و بینوا. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ذیل آیه)

آیه فلاح و رستگاری را که غرض و منتهی حرکت جوهری انسانی است، (فقط) بر تزکیه روح و پاکیزه‌گی آن از فجور و فسق و انحراف، نهاده است و نیز استفاده می‌شود که باید پیوسته به الهامات غیبی و درونی خود گوش فرا داده و عبرت گرفته و نیز به شرح و تفسیر آن و بالاخره از طریق پیروی از برنامه مکتب عالی اعتقادی و جوارحی آن نیروی تزکیه و پاکیزه‌گی و طهارت از قذارت گناه و فجور را در خود تقویت نموده و شعار خود را عبودیت قرار دهد. (حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ذیل آیه) نمونه دیگر: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى**. مسلماً رستگار می‌شود کسی که خود را تزکیه کند. (اعلی/۱۴)

این آیه، عامل فلاح و رستگاری و پیروزی و نجات را "تزکیه" می‌شمرد. در این که منظور از "تزکیه" چیست تفسیرهای گوناگونی ذکر کرده‌اند:

نخست این که: منظور پاکسازی روح از شرک است، به قرینه آیات قبل، و نیز به قرینه اینکه مهم‌ترین پاکسازی همان پاکسازی از شرک است.

دیگر این که: منظور پاکسازی دل از رذائل اخلاقی و انجام اعمال صالح است، به قرینه آیات فلاح در قرآن مجید از جمله آیات آغاز سوره مؤمنون که فلاح را در گرو اعمال صالح می‌شمرد، و به قرینه آیه ۹ سوره شمس که بعد از ذکر مساله تقوی و فجور می‌فرماید: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا**! رستگار شد کسی که نفس خود را از فجور و اعمال زشت پاک کرد و به زینت تقوی بیاراست. بعضی نیز "تزکیه" را در اینجا به معنی دادن صدقه مالی دانسته‌اند. مهم این است که "تزکیه" معنی وسیعی دارد که همه این مفاهیم را در بر می‌گیرد، هم پاکسازی روح از آلودگی شرک، و هم پاکسازی از اخلاق رذیله، و هم پاکسازی عمل از محرمات، و هر گونه ریا، و هم پاکسازی مال و جان به وسیله دادن زکات در راه خدا، زیرا طبق آیه **خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تَزَكِّيهِمْ بِهَا**: از اموال آن‌ها صدقه‌ای (زکات) بگیر تا آنها را به وسیله آن پاکسازی و تزکیه کنی. (زبرا) دادن زکات سبب پاک‌سازی روح و جان است.

بنابراین، تمام تفسیرها ممکن است در معنای گسترده آیه جمع باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ذیل آیه)

۱-۲ مصادیق دست‌یابی به فلاح

- ۱- مؤمنان **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ** "رستگاری مؤمنان حتمی است. «مؤمنون/۱».
- ۲- عابدان. **«وَاغْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»** «حج، ۷۷» پروردگارتان را پرستش کنید، شاید رستگار شوید.
- ۳- آنان که اعمالشان ارزشمند و سنگین است. **«فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»** «اعراف، ۸»
- ۴- دوری کنندگان از بخل. **«وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»** «حشر، ۹»
- ۵- حزب الله. **«أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»** «مجادله، ۲۲» حزب خدا رستگارند.
- ۶- اهل ذکر کثیر. **«وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»** «انفال، ۴۵» خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.
- ۷- تقوا پیشگان. **«فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»**. "مائده/۱۰۰" ای خردمندان! تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.
- ۸- مجاهدان. **«وَاجْهَدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»**. "همان، ۳۵" در راه خدا جهاد کنید تا رستگار شوید.
- ۹- توبه کنندگان. **«تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»**. "نور/۳۱" ای اهل ایمان! همگی توبه کنید تا رستگار شوید.

۱۰- تزکیه کنندگان نفس: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا**. که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده. "شمس / ۹"

**4<sup>th</sup> International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



۲-۲ راهکارهای نیل به فلاح

بر اساس آیات قرآن، می توان راهکارهای قرآن برای نیل به فلاح را به ترتیب، چنین برشمرد:  
ایمان به خدای متعال (مؤمنون/۱)؛ عبادت و پرستش پروردگار عالم (حج/۷۷)؛ عمل به فرامین الهی (همان و اعراف/۸)؛  
توبه (نور/۳۱)؛

تزکیه نفس ودوری از صفات رذیله (شمس/۹ و حشر/۹)؛ تقوا (مائده/۱۰۰)؛ ذکر (انفال/۴۵)؛ جهاد (مائده/۳۵) و مانند آنها.

اقامه نماز و پرداخت زکات، نیز در آیات ابتدایی سوره بقره جزو راهکارهای نیل به فلاح، به شمار می آید.

توصیه به کاربست این راهکارها، عامل برون رفت جوامع از ظلمت به نور و نیل به سعادت ابدی است.

خطر انحراف از طریق سعادت و سقوط در ورطه ظلم و هلاکت

قرآن مجید- ضمن توصیه به پیمایش مسیر سعادت- تکذیب و عمل نکردن بدین راهکارها را از مصادیق قطعی ظلم، دانسته و  
از فرجام ظالمین به بدترین وجه ممکن (غافر/۵۲) و عذاب مقیم (شورا/۴۵) و دردناک و الیم (شورا/۲۱ و انسان/۳۱)، بیم داده  
است.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ . و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ  
بندد، یا آیات الهی را تکذیب کند؟ همانا ستمگران رستگار نمی شوند. (انعام/۲۱)

درحقیقت، تکذیب و بازداری از مسیر الهی، مصداق بارز ظلم به تفکر و فرهنگ انسان ها به شمار می رود.

#### یافته ها و نتیجه گیری

از بررسی آیات شریفه قرآن مجید، به دست می آید که:

۱- واژگان "فوز" و "فلاح" در قرآن مجید، مترادف خوشبختی پایدار یا همان رستگاری بزرگ است.

۲- سعادت و رستگاری بشریت، تنها در سایه ایمان به خدای متعال؛ عبادت و پرستش پروردگار جهان؛ عمل به فرامین الهی؛  
تقوا، تزکیه نفس ودوری از صفات رذیله تحقق می یابد.

۳- اطاعت از رسول خدا، لازمه ی اطاعت از خدای متعال و در ردیف هم قرار گرفته است.

۴- دنیا به دلیل محدودیت زمان و ناپایداری، توان تحقق سعادت را نداشته و سرای آخرت، محل نیل به رستگاری و فوز و فلاح  
ابدی است.

۵- به کارنبستن راهکارهای نیل به سعادت، سبب ظلم به تفکر و فرهنگ انسان ها، و سقوط در ورطه هلاکت است و نتیجه ی  
مستقیم شرک، افترا به خدا، تکذیب و بازداری از مسیر الهی به شمار می رود.



**4th International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences**



**منابع**

قرآن مجید

نهج البلاغه

- آلوسی، سید محمود ، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: محمد جمیل صدقی بیروت، دارالفکر
- حسینی همدانی، سید محمد حسین ، ۱۴۰۴ ق، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸ ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، چاپ دوم، بیروت و دمشق، دارالفکر المعاصر
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العربی
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ش، أظیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی
- العروسی الحویزی، ۱۳۷۳ ق، تفسیر نورالثقلین، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان،
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- قزائتی، محسن، ۱۳۸۸ ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ ش، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴؛ تفسیر نمونه ، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه

*4<sup>th</sup> International Conference of Modern Research in  
Psychology, Counseling, and Educational Sciences*

---



**Reaching bliss in the Holy Quran  
(objective examples and solutions)**

**Nahid Mashaee**

**Assistant Professor Ferdowsi University of Mashhad**

**1-1-**

**Abstract -1-2**

The primary purpose of human kind is to achieve lasting happiness and great salvation. This purpose, is interpreted as "Fuz" and "Falah" the in Holy Qur'an.

The word "Saadah" encompasses the meaning of eternal salvation and happiness.

In Persian language and in Quranic culture, it is used in a sense.

According to the verses of the Qur'an, the happiness of mankind depends on faith in the Almighty God, and worship and act on His commandments. Solutions to this end, piety and self-cultivation, obedience to the Apostle of God, counted and fulfilled only in accordance with divine commandments. Since the world is unstable and time limited, it is not capable of achieving lasting and lasting salvation.

The Holy Quran has considered the home of the hereafter, the place of eternal bliss. Failure to apply this strategy results in Shirk, denial of God, and deterrence from the divine path. And, as a result, it requires oppression of human thought and destruction on the verge of destruction. This research has been done by qualitative method and analysis of Qur'anic verses.

**1-3- Keywords:** Quran, Happiness, Salvation, Fuz, Falah, Piety.